

امام‌صادق علیه‌السلام:

قال لِقَمَانٍ لَایِبِهِ: وَ لِلِحَاجِیْدِ ثَلَاثُ عَلَماَت: یَعْتَابُ إِذا غَابَ وَ یَتَمَلَّقُ إِذا شَهِدَ وَ یَسْمَعُ بِالْمُصِیْبَةِ؛

لقمان به فرزندش گفت: حسود را سه نشانه است: پشت سر غیبت می‌کند، روبه‌رو تملق می‌گوید و از گرفتاری دیگری شاد می‌شود.

خصال ص۱۱۲،ح ۱۱۳

سخن روز

اینم

از این



علیرضا کاردار

حتماً در خبرها خواندید و «اسکرین شاتش» را هم دیدید که یکی از بازیگران مرد هنگام پخش فیلم زنده توسط یک بازیگر خانم در اینستاگرامش، از او خواستگاری کرده است. البته شاید اسمش خواستگاری نباشد و همین طور یک چیزی نوی هوا پرانده یا اشتباهی دستش خورده به صفحه کلید و شانس آن جمله‌ها تاپت شده یا اصلاً هک شده است. ولی به هر حال کاری است که شده و باید تا آخرش پای حرفش بایستد. ما با کسی شوخی نداریم و اجازه نمی‌دهیم یکی بیاید روی دختر مردم اسم بگذارد و بعد بزند زیر همه چیز و بدو! ولی از این جنبه غیرتی‌اش که بگذریم، آن جنبه دیگرش خیلی با حال است. اینکه این روزها این جنبه اجتماعی تبدیل شده به یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی مردم عادی و حتی آدم معروف‌ها. بام تا شام زندگی‌مان در آن می‌گذرد و برای همین سوتی‌ها و گاف‌هایی که به آنجا می‌دهیم فراتر از فرستادن استیکر اشتباه قلب برای عمه مجرد دوست‌مان و تاپت اشتباه فحش برای استادمان است. از باد زدن و افتادن یک سری چیزهای گل منگلی در استوری بازیگری که اصلاً اهل این حرف‌ها نیست و قفلاً داده وقتی برگردد خیلی‌ها را زخمی کند. گرفته تا پخش شدن همین درخواست از دواج. تقریباً می‌توان گفت تمام نیازهای مان راه‌همین جامی توانیم برطرف کنیم.

طبق عکس‌های موجود، صبحانه و ناهار و شام‌مان که همان جاست و به «لاکچری»‌ترین شکل ممکن برگزار می‌شود. سر راکر فلن‌مان هم که از لحظه خروج از خانه تا داخل محل کار شدن و دستفروش‌های مترو و ترافیک و حتی موسیقی فاختری که توی بزرگراه گوش می‌دهیم هم که به طور زنده برای دنبال‌کنندگان مان پخش می‌شود. درس خواندن و کار کردن و تفریح و از دواج و طلاق و همه هزینه کردن‌ها و لاک زدن و بهر داج راه شدن و جشن و آلبوشک گرفتنش و نخستین قیبگی که می‌کند و مدیران هم که آنجا حضور پیروز دارند و از سخنرانی‌ها و توصیه‌ها و تهدیدها و هوایی زدن‌ها برای دیگران و نامه پاراف کردن‌ها برای خودشان هم عکس و سندی می‌گذارند. کل امور زندگی‌شان شهروندان قفلاً انتخابات مانده که به تازگی با این امکان نظرسنجی و رای‌گیری که به این برنامه اضافه شده است، آن هم مرتفع خواهد شد.

مراجع ذیصلاح عکس‌کنان‌دی‌های تأیید شده را در استوری‌شان بگذارند و درخواست کنند «فالوورها» به یک گزینه رای بدهند. همه چیز مثل آنلین و مستند ثبت می‌شود. نهایتش اگر کسی فالوئر «فیک» خریده بود یا «رویات» رای‌گیری استخدام کرده بود یا گزینه شخص اشتباه ر زده بود، می‌توان رای‌هایش را حذف کرد. این طوری همان لحظه پایان رای‌گیری نتایج هم مشخص می‌شود و لازم نیست کسی تا نصف شب توی صف بایستد و خودکارش تمام شود و برکه تعریف رای کم بیاید و تا ماه‌ها بعد غر بزند!

کیوسک

حرفه‌ای گرای روابط عمومی در «هدریت از تباطات»

شماره جدید ماهنامه «مدیریت ارتباطات» به مدیریتمسئولی امیرعباس تقی‌پور و سردبیری امیرعلی منتشر

شد. در این شماره قاعده‌هایی در بازیابی آنلین مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در بخش سوم جُنگ‌تاریخ روزنامه‌نگاری با پژوهش و قلم سیدفرید قاسمی به چاپ رسیده است. «رسانه، فرهنگ، گفتمان» به قلم حسن بشیر، «چرا در اینستاگرام مرفه بی درد به نظر می‌رسیم؟» به قلم مینا عینی‌فر، «رسانه رسمی نمی‌میرد»، از مرجان لاقایی، «نگاهی به روند روبه‌شد فعالیت‌های روابط عمومی در سال ۲۰۱۷:الزام یا اختیار؟» نوشته‌امیرکاکلی، «ظهور استراتژی جدید در روابطعمومی» از حسن صبری قیداری، «اسنما به مثابه هنرستان تجربه» نوشته منوچهر دین‌پرست و «به اشتراک‌گذاری آنلین اطلاعات: رفتاری برنامه‌ریزی شده برای تولید سرمایه اجتماعی» با ترجمه علی‌علی خلیج. از جمله مطالب این شماره ماهنامه «مدیریت ارتباطات» است. شماره تازه این نشریه همچنین شامل گزارش کاملی از برگزاری پنجمین کنفرانس حرفه‌ای گرای در روابطعمومی است. شمار ۸۸ ماهنامه «مدیریت ارتباطات» به قیمت ۷ هزار تومان نشر یافته است.

عدد

مدیر خانه عکاسان جوان از برگزاری چهارمین دوره نمایشگاه «اشک‌واره» خبر داد. رسول اولیازاده گفت: در این دوره بالغ بر ۳۰ عکس از مراسم آیینی عاشورایی و مذهبی روز ۳۰ عکاس برجسته‌ویزرگ کشورمان به‌نمایش می‌آید.گزاریم. این عکس‌ها در ابعاد ۷۰-۵۰ به‌صورت رنگی از مراسم عاشورایی و آیینی سراسر کشور گرفته شده‌اند. چهارمین نمایشگاه گروهی عکس «اشک‌واره»، در ۲۸ ساعت از ۱۷ در خانه عکاسان جوان واقع در خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد)، خیابان چهارم، شماره ۱۳، واحد ۳ افتتاح می‌شود.

۹ اثر در فهرست نهایی جایزه کتاب سال «ولز»

فهرست نهایی جایزه کتاب سال ۲۰۱۷ ولز اعلام شد که شامل ۹ اثر در بخش داستانی، شعر و غیرداستانی، به برترین اثر انگلیسی و ولزی زبان می‌شود. سنتی هرساله برای برگ‌داشت بهترین آثار داستانی، شعر و غیرداستانی به زبان انگلیسی و ولزی است. به برترین نویسنده در هر بخش سه هزار پوند و به دیگر برگزیدگان هزار پوند اهدا خواهد شد. جایزه کتاب سال ولز نخستین بار در سال ۱۹۱۲ میلادی تأسیس شده و به‌طور مستقیم از طرف دولت و خانه‌کتاب ولز حمایت می‌شود.کتاب برتر ولز در سال ۲۰۱۷ طی مراسمی در تاریخ سیزدهم نوامبر در شهر کاردیف معرفی خواهد شد.

							
۲۲	۲۷	۲۸	۳۷	۳۷	۳۷	۳۳	۳۱
تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۹	۱۵	۱۲	۲۱	۲۷	۱۶	۱۲	۱۶

اذان ظهر ۱۱/۵۱ | اذان مغرب ۱۷/۵۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۹ | اذان صبح فردا ۴/۴۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۹



به انگیزه یکصدمین سال انقلاب اکتبر روسیه

میانبری که به بی‌راهه ختم شد

انقلابیون روسی از مارکسیسم به‌عنوان سلاحی برای مبارزه با نزاریسم استفاده کردند و این کاری ساده نبود چون مارکسیسم اساساً یک اندیشه بوده و با مقتضیات یک جامعه کشاورزی و عقب مانده صنعتی مثل روسیه صد سال پیش، هیچ تناسبی نداشت. مارکس معتقد است که انقلاب سوسیالیستی فقط در جامعه‌ای رخ می‌دهد که سرمایه‌داری در آن به اوج تکامل رسیده و طبقه کارگر در زهدان کارخانه‌ها و بطن سرمایه‌داری رشد کند؛ سپس حول این طبقه کارگر، انقلاب کمونیستی ایجاد می‌شود. روسیه در آستانه انقلاب اکتبر در مراحل ابتدایی رشد سرمایه‌داری به سر می‌برد و طبقه کارگر صنعتی چندان پرشماری نداشت. در چنین شرایطی باید انقلاب بورژوازی صورت می‌گرفت نه انقلاب پرولتری و کمونیستی؛ مارکسیسم معتقد است که وظیفه صنعتی شدن یک کشور را طبقه بورژوا بر عهده دارد و انقلاب بورژوازی به تحقیق چنین طبقه‌ای کمک می‌کند و پس از این مرحله می‌توان به انقلاب سوسیالیستی فکر کرد. لنین رهبر بلشویک‌های روسیه اما عجله داشت و واقع میانبر زد. او در اولین کتاب خود که درباره رشد سرمایه‌داری در روسیه است این‌طور نتیجه گرفت که روسیه یک کشور سرمایه‌داری بوده و آمادگی انقلاب سوسیالیستی را دارد. بنابراین در یک مرحله به سراغ راه انداختن انقلاب کمونیستی رفت. حرف دیگر مارکس این بود که هرگز سوسیالیسم نمی‌تواند در کشوری واحد پیروز شود به نظر مارکس انقلاب جهانی باید رخ می‌داد تا سوسیالیسم پیروز شود و تازه این انقلاب هم آغاز می‌باید در کشورهای ابر صنعتی پیشرفته‌ای مثل انگلستان یا آلمان آغاز می‌شد اما لنین و خلفش استالین این اصل را هم نادیده گرفتند؛ مقوله دیگر دولت بود؛ مارکس اعتقاد داشت در بی انقلاب سوسیالیستی دولت از بین می‌رود، چرا که دولت ابزار حاکمرانی طبقه استثمارگر است و پس از سرنگونی حکومت استثمارگر دولت نیز منحل می‌شود در روسیه وقتی که لنین به قدرت رسید دولت را به تنها از بین نبرد بلکه قوی‌تر کرد و آن را به ارگانی برای سرکوب بدل ساخت. وضعیت روسیه تا قبل از جنگ جهانی اول خوب بود و این کشور در حال تبدیل به یک کشور بزرگ از نظر کشاورزی و دامداری بود اما جنگ به این کشور لطمه زد و از دل فلاکت‌های آن لنین و حزب او سر بر آوردند و به قدرت رسیدند. در روسیه تزاری سالانه حداکثر ۲۰ اعدام صورت می‌گرفت اما با آمدن لنین و همگامی‌نشی نه تنها وضعیت اقتصادی به وضع بسیار فلاکت‌بار رسید بلکه تعداد اعدام‌ها نیز به مرحله جنون آمیزی رسید. به‌طوری‌که در دوره استالین شاهدیم که در طول یک سال ۲۰ هزار نفر اعدام می‌شدند. انقلاب اکتبر برآمده از فلاکت‌های جنگ جهانی اول بود و نه خواست اکثریت مردم. بلشویک‌ها در دوره‌ای که مردم به افراط‌گرایی روی آورده بودند شعار و اهداف افراطی متناسب با این اوضاع ارائه کردند و توانستند بر موج انقلاب سوار شوند و قدرت را به دست بگیرند. در واقع درکشان از اوضاع بهتر از بقیه گروه‌ها بود در حالی که از نظر تعداد اعضا بسیار کمتر از دیگر احزاب بودند.

نظام شوروی بتدریج راه زوال و خرابی طی کرد؛ علت‌خرابی‌ها هم نظامی بود که زیر سیطره یک ایدئولوژی آمیخته با ترور و وحشت قرار داشت. در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ میلادی دیگر خبری از ضد انقلاب نبود ولی فروشگاه‌ها نیز همیشه خالی و صف‌ها برای دریافت کالاها ضروری بلند بود. در دهه پنجاه نرخ رشد اقتصادی شوروی سالانه به‌صورت متوسط حدود ۱۰ درصد بود در حالی که طی دهه‌های بعد این نرخ سقوط کرد و در اوایل دهه ۹۰ به ۲ درصد رسیده بود. نظام شوروی که در گذشته چندین بار موفق شده بود خودش را بازآفرینی کند در نهایت در نتیجه اصلاحات گورباچف از هم فروپاشید، چرا که حکومت تک حزبی و اقتصاد متمرکز موفق نشد برای مرعش آزادی و رفاه به بار آورد. برنامه ریزان حزب کمونیست و دولت در عصر آهن و فولاد یا به نوعی در عصر استالین نسبتاً موفق بودند ولی در عصر مواد شیمیایی و کامپیوترها نتوانستند اقتصاد را بدرستی هدایت کنند. گورباچف خیلی زود متوجه شد که تحول در اقتصاد بدون تحول در نظام سیاسی غیرممکن است. در شوروی مثل هر نظام بسته و اقتدارگرای دیگری نظام اقتصادی و نظام سیاسی بحدت در هم تنیده شده بود و به همین دلیل بحران اقتصادی بسرعت به یک بحران سیاسی تبدیل شد. خودککلی در دهه ۱۹۲۰ استراتژی معقولی بود ولی دهه ۱۹۸۰ دیگر چنین نبود و فقط کشورهایی موفق بودند که در اقتصاد جهانی تنیده شده باشند. اصرار در این مسیر برابر بود با سقوط در نهایت اینکه هیچ‌کدام از راه‌های رشد غیر سرمایه‌داری که نتوربین‌های حزب کمونیست شوروی مبدع آن بودند به نتیجه نرسید و ثابت شد که توسعه صنعتی نشی و توسعه اقتصادی عملاً فقط از طریق یک اقتصاد آزاد میسر است که شوروی این راه را نرفت و در نهایت نابود شد.

■ گفت‌وگوو تعامل بادینا» در نیوارن نمایشگاه گروهی بوستر با عنوان «اعلان گفت‌وگو» با موضوع «گفت‌وگو و تعامل سازنده با دنیا» فردا ساعت ۱۶ در گالری شماره ۲ فرهنگسرای نیوارن برگزار خواهد شد که تا

۲۵ مهر از ساعت ۱۰ تا ۲۰ برپا خواهد بود.

■ اختتامیه دوسالانه مجسمه‌سازی تهران

هفتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران فردا ساعت ۱۸ با اهدای جوایز برگزیدگان و کنکوداشت «ویکتور دارش» در موزه هنرهای معاصر تهران واقع در خیابان کارگر شمالی، جنب پارک لاله برگزار می‌شود.
■ رونمایی کتاب «زیر دست و پای روزمرگی»

رونمایی کتاب «زیر دست و پای روزمرگی» نوشته سیدمحمد بهشتی، با سخنرانی محمدجواد فریدزاده، فردا ساعت ۱۷ در شهرکتاب فرشته واقع در خیابان دکتر شریعتی، پایین‌تر از لیل صدر، شماره ۱۶۷۱ برگزار می‌شود.

■ عروسک‌های «بی‌بی قصه‌گو» در خانه هنرمندان

عروسک‌های زیبا و خاطرانگیز «بی‌بی حاضر امیدواری» بانوی قصه‌گوی ۹۱ ساله کارزویی، فردا ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری تابستان خانه هنرمندان ایران به آدرس خیابان آیت‌الله طالقانی، بعد از خیابان ایرانشهر، خیابان شهید موسوی شمالی برپا خواهد شد که تا ۴ آبان از ساعت ۱۳ تا ۲۰ برگزار خواهد بود.

■ نشست «آسیب‌شناسی خانه‌های تاریخی گیلان»

نشست علمی «آسیب‌شناسی خانه‌های تاریخی گیلان»، امروز ساعت ۱۰ صبح با سخنرانی سیدهاشم موسوی، مرگان خاکپور، سیدمهدی

نگاره



امیر رضا محمدی روزنامه نگار

و تعزیه خوانی و پرده خوانی رواج زیادی داشت. با وجود این، از نیمه آخر سلسله قاجار تا اوایل پهلوی و همزمان با انقلاب مشروطیت، همچنین با ظهور هنرمندان مستعد این حوزه، نقاشی قهوه‌خانه‌ای به اوج خود می‌رسد. این هنر، روی پرده بوم، به شکلی خیالی و به فراخور سفارش‌های نقال‌ها و قهوه‌خانه‌ها بدون طراحی حرفه‌ای، اجرا شده و سه به‌بخش بزمی، رزمی و مذهبی تقسیم می‌شود. اکنون با بزرگان این عرصه همچون حسین همدانی، عبدالحسین بروجردی، میرزا آقا سلطان‌ی‌زاده، حسین قوللر آغاسی و شاگردان او محمد مدبر، فتح‌الله قوللر آغاسی، عباس بلوکی فر و علی لرنی به‌عنوان آخرین نسل از پایه‌گذاران نوین این هنر اصیل ایرانی، نمایشگاهی در گالری آس برگزار شده است. مجموع آثار به نمایش درآمده ۱۵ عدد است که به ۶ اثر مذهبی و آیینی که عمدتاً به واقعه عاشورا پرداخته است و ۸ اثر رزمی و بزمی با موضوعات شانه‌شانه و داستان یوسف و زلیخا تقسیم می‌شود. به گفته الهام روشنی، مسئول گالری، آثار از مجموعه‌های شخصی جمع‌آوری و گاه بازسازی شده‌اند و هدف از برگزاری نمایشگاه نیز بررسی این هنر آیینی به مناسبت ایام ماه محرم و همچنین یافتن بانیانی جهت حفاظت از این آثار برجسته فرهنگی و تاریخی است. وی با اشاره به سبک خیال پردازانه نقاشی قهوه‌خانه‌ای، استقبال از آثار را مطلوب ارزیابی کرد و از اقبال بالا برای بازدید از این هنر فراموش شده ابراز امیدواری کرد. روشنی همچنین با نظر به اهمیت آثار به نمایش درآمده، عنوان کرد: مهم‌ترین اثر نمایشگاه، تابلو نبرد رستم و اسفندیوس از استاد حسین قوللر آغاسی در سال ۱۳۱۹ شمسی است و دو پرده درویشی قلمکار از میرزا آقا سلطان‌ی‌زاده در سال ۱۳۲۰ قمری برای نخستین بار به دید عموم می‌رسد.

نمایشگاه «نقش خیال» تا جمعه ۲۸ مهر در گالری آس واقع در خیابان شریعتی، بالاتر از لیل رومی، شماره ۱۸۳۱ برقرار است. گفتنی است مراسم پرده خوانی، فردا از ساعت ۱۸ در گالری برگزار می‌شود.



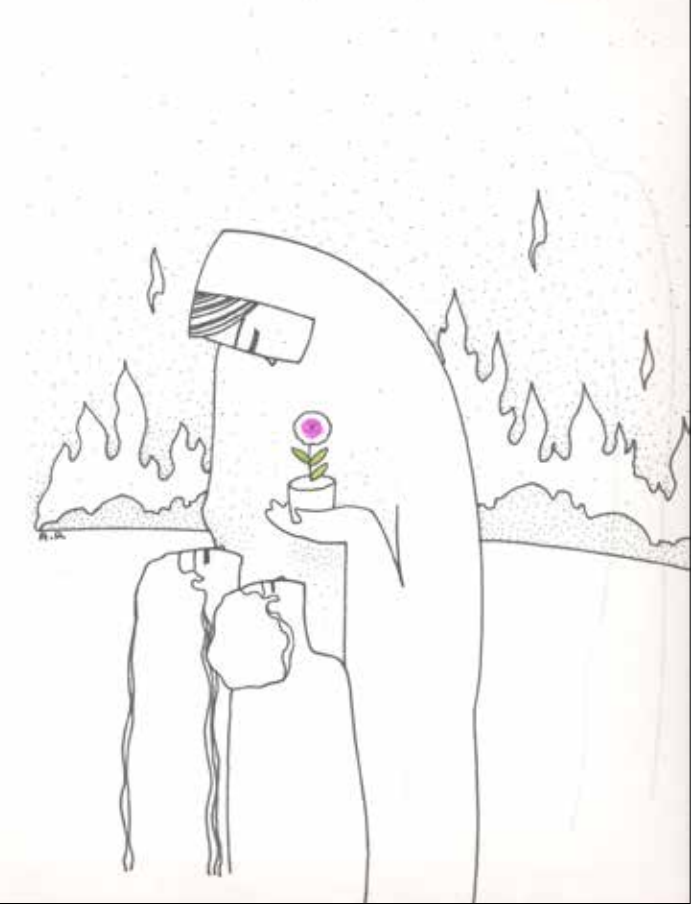
تظهور یک روزی از حسین همدانی

آن سوی مرز

«الوین پریسلی» کمپانی اپل موزیک حق ساختحک‌سریال تلویزیونی بر اساس زندگی «الوین پریسلی»-اسطوره موسیقی راک- را به دست آورد. این سریال با عنوان «بزریل» قسمت‌ساخته‌شودوقرار است همه آرشویشخصی متعلق به او از جمله ژورنال‌ها، لباس‌ها، خودوهاو خانه‌اش در اختیار تیم سازنده قرار بگیرد.



اردشیر رستمی



به انگیزه روز بزرگ‌داشت حافظ

روز «حافظ» و حافظه ما

نیازی نبود تا به‌دکه «از من بپرس» مراجعه کنیم. علت مقاومت مردم در برابر شماره‌گذاری معابر و خانه‌ها، از نگاه یکی از شاهزادگان قجری، بی‌سوادی مردم بود. اما در روزگار ما چه؟ قهرمان میرزا سالور، در خاطراتش می‌نویسد: «کوجه‌ها را نمره می‌گذارند و اسم می‌گذارند. اگر آن وقت در اسم کوجه و آدم سهوی می‌شد، حالا در نمره آن می‌شود.

زیرا از صد نفر اهل پایتخت ما، ۱۰ نفر رقم هندسی را نمی‌توانند بخوانند. آن وقت خانه فلان آدم را در کانداز و عابر سیبل یا اهل آن کوجه جویمای شدند، حالا باید یک نفر را پیدا کنند که خانه نمره چهار را خوانده و نشان بدهد. بلکه به این واسطه مردم از تمام حساب، این ۹ حرف را یاد بگیرند. در خانه ما قرب هفتاد نفر مستخدم است. امروز حساب کردم، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، حاجی میرزا عباس زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر روان شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر کردن هر روزراه‌ها، می‌بافتند یا اسامی چهارراه‌ها، میادین و خیابان‌ها که به همین روش و سیاق، شهر می‌شدند. گذر قلی، در نزدیکی چهارراه گل‌بندک، چون محل زندگی میرزا عباس قلی‌خان بازارگان- پدر محمد ولی شاد مهندس مهدی بازارگان- بود، به نام وی شهره گشت و قدری آن طرف‌تر، گذر مستوفی، به‌علت سکونت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، در آن حوالی و گذر